

نقش اجتماعی دین اسلام در گسترش علم

زهرا صالحی^۱

چکیده

در پاسخ به این سوال که دین اسلام در راستای گسترش علم چگونه به ایفای نقش پرداخته به این مهم رسیدیم که آموزه های اسلام روند جامعه را به مسیری سوق می دهد که مؤید علم آموزی و گسترش رو به رشد علم و عالمان باشد. در این اندیشه وجه تمایز انسان با سایر موجودات بهره مندی از نعمت شناخت و معرفت دانسته می شود. مفهوم علم در اندیشه اسلامی دایره وسیعی از انواع معرفت های حصولی، حضوری، تصور، تصدیق، کلی و جزئی را در بر می گیرد. آموزه های اسلامی بدنه جامعه را از حیث اجتماعی و فرهنگی تحت تأثیر قرار داده و افراد (نه تنها مومنان بلکه کافران و مشرکان و حتی پیروان دیگر ادیان) از جانب خدای سبحان و اولیایش، بر خردمندی و به کارگیری عقل دعوت می شوند. همچنین انسان در قرآن به ژرف نگری در آثار خلقت و طبیعت فرا خوانده می شود و توصیه می شود به اینکه باید علوم را از هر منبعی که واجد آن باشد اخذ نماید. برآیند چنین تفکری، انگیزه ی شناخت متقابل را در بین پیروان خود ایجاد می نماید. و در نتیجه گسترش روبه رشد مباحث علمی را در پی دارد.

مقدمه

انسانها همواره بعد از انتفاء نیازهای اولیه به دنبال کشف رموز عالم هستی بوده اند. و انسانهای کنجکاو، خلاق و خدا جو در صدد دستیابی به حق و حقیقت و شناخت بیشتر از عالم بوده اند. ادیان الهی خصوصاً دین اسلام پاسخی به این نیاز بوده و همواره آن را به سمت و سویی مشخص سوق داده است. با ظهور دین اسلام یکی از موضوعاتی که این دین آسمانی روی آن بسیار تکیه داشت، تعلیم و تعلم بود. و آنچنان ارزش علم را بالا برد که خداوند در قرآن مجید، به قلم و ابزار نوشتن قسم خورده است. با این اوصاف تحقیق حاضر بر فهم این مسئله تأکید دارد که دین اسلام در راستای گسترش علم چگونه به ایفای نقش پرداخته، و به بیان پیوند های مشخص و ملموس بین ارزش های فرهنگی و هنجارهای روش شناختی در دوره اسلامی می پردازد.

واژه های کلیدی: معرفت، علم، دین، اسلام، نقش

^۱ - کارشناسی ارشد جامعه شناسی ??? ? ? ? ?

معرفت

معرفت در لغت یعنی شناخت کسی یا چیزی و آشنا شدن به ویژگی های او یا آن از طریق مطالعه ، تحقیق ، یا تجربه « (حسن انوری: ۱۳۸۵) ، و به بیانی دیگر «معرفت عبارت است از آگاهی به واقعیت و یا راه پیدا کردن به واقعیت». (جوادی آملی : ۱۳۸۶ ، ۸۷) وجه تمایز انسان با سایر موجودات بهره مندی از نعمت شناخت و معرفت است . در اهمیت معرفت همین بس که خدای سبحان انسان ها را به کسب شناخت و معرفت دعوت می کند، و کسانی را که اهل تفکر و تدبیر و تعقل نیستند به شدت مذمت می کند. همچنین انسان را از پیروی آنچه که به آن شناخت ندارد ، منع نموده و می فرماید: «ولانقف ما لیس لك به علم» (اسراء: آیه ۳۵) و افرادی را که بدون شناخت ، راهی را می روند و عملی را انجام می دهند، کوران و کران و گنگانی می داند که تدبیر نمی کنند. حضرت علی ۷ در نامه ای به امام حسن ۷ می نویسد : «ای پسر، تا آینه قلب را پاک نزدایی و با صیقل علم و فکر درخشانش نسازی همچون شتری کور باشی که راه را از پرتگاه نشناسد و ناگهان به دره های ژرف و خطرناک فرو افتد. « (نهج البلاغه ، نامه ۳۱) در این مبحث به نقش علم بعنوان یکی از ارکان معرفت پرداخته می شود .

علم

فرهنگ نویسان ، علم را از نظر لغوی معادل آگاهی و شناخت قرار داده اند . این مفهوم انواع معرفت های حصولی ، حضوری ، تصور ، تصدیق ، کلی و جزئی را در بر می گیرد : اعم از اینکه معرفت از طریق حس ، عقل ، وحی و یا شهود حاصل شود .

علم از منظر اسلام

علم و معرفت در قرآن به عنوان هدف آفرینش و هدف خلقت انسان مطرح است . اگر در المعجم به واژگان علم و عقل و مفاهیمی از این قبیل رجوع شود ، از جمله مواردی است که بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است . اصل کلمه علم در قرآن کریم هشتاد بار در مواضع مختلف تکرار شده است و مشتقات آن مانند یعلمون و یعلم و غیره بارها به کار برده شده است . علاوه بر اینها ، واژه هایی مانند حکمت و برهان و مشتقات عقل بارها در قرآن به کار رفته است . علم در قرآن کریم در معانی زیر بکار رفته است .

۱- دانستن ، شناختن ، دانش ، آگاهی ، دانایی و با تعبیری مانند وهم یعلمون ، و انتم تعلمون

۲- علم به معنای وحی: «من بعد ما جاءك من العلم»

۳- علم به معنای روشن ساختن چیزی درباره خداوند سبحان: «لیعلم الله من يخاف بالغيب»

واژه علم در قرآن در صورتهای مختلف جمله و کلمات مضاف آمده است. از جمله: علم الله، علم الساعه، علم الكتاب، علم من الكتاب، علم اليقين، علم الغیب و علم الاسماء در بسیاری روایت حضرت علی 7 از علم به نور تعبیر می فرماید چنانکه نور روشنائی بخش است، علم نیز برطرف کننده ظلمت نادانی و جهل می باشد. «جان را با یقین نیرومند کن، و با نور حکمت روشنائی بخش» «أحی قلبک بالموعظه، و أمته بالزّهاده، و قوه بالیقین، و نوره بالحکمه» (نهج البلاغه، نامه 31) علم از منظر حضرت علی 7 مقرون با یقین است و یقین نیز مترادف با واقعیت و حقیقت می باشد و شک و تردید، مضمحل کننده علم و یقین می باشد.

«لَا تَجْعَلُوا عِلْمَكُمْ جَهْلًا، وَ يَقِينَكُمْ شَكًّا. إِذَا عَلِمْتُمْ فَأَعْمَلُوا، وَإِذَا تَيَقَّنْتُمْ فَأَقْدِمُوا.»

«علم خود را نادانی و یقین خود را شک و تردید مپندارید، پس هرگاه دانستید عمل کنید و چون به یقین رسیدید اقدام کنید.» (نهج البلاغه، حکمت 274)

علم در تفکر اسلامی به دو دسته تقسیم می شود.

«الْعِلْمُ عِلْمَانِ: مَطْبُوعٌ وَ مَسْمُوعٌ، وَ لَا يَنْفَعُ الْمَسْمُوعُ إِذَا لَمْ يَكُنِ الْمَطْبُوعُ.» (نهج البلاغه، حکمت 338)

«علم دو گونه است: علم فطری و علم اکتسابی؛ علم اکتسابی اگر هماهنگ با علم فطری نباشد سودمند نخواهد بود»

«علم مطبوع یعنی آن علمی که از طبیعت و سرشت انسان سرچشمه می گیرد، علمی که انسان از دیگری یاد نگرفته و معلوم است که همان قوه ابتکار شخص است. بعد می فرماید: و علم مسموع اگر علم مطبوع نباشد فایده ندارد، و واقعاً هم همین جور است. این را در تجربه ها درک کرده اید؛ افرادی هستند که اصلاً علم مطبوع ندارند. منشاء آن هم سوء تعلیم و سوء تربیت است، نه اینکه استعدادش را نداشته اند. تربیت و تعلیم جوری نبوده که آن نیروی مطبوع او را به حرکت در آورد و پرورش بدهد.» (مطهری: 1384، 525)

مفهوم دین:

دین شناسان در تعریف دین حداقل به دو معنای زیر توجه نموده اند:

الف) دین به معنای خاص: دین مجموعه ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی است که از

ناحیه خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین شده است. (جوادی آملی: 1386، 19)

ب) دین به معنای عام: تفسیری از آفرینش است به منظور گرایش و کرنش در برابر مبدأ آن که حالت

روانی است که به تدین تعبیر می شود رادربر می گیرد.

در مجموع مولفه های دین عبارت است از :

- ۱) اعتقاد به موجودات ماورای طبیعی
- ۲) تمایز امر قدسی از امر دنیوی
- ۳) شعائر و احکام
- ۴) مجموعه قواعد اخلاقی
- ۵) احساسات خاص دینی که در حضور مقدسات دینی پدید می آیند
- ۶) عبادت
- ۷) دیدگاه کلی درباره جهان/ جهان بینی
- ۸) برنامه زندگی بر پایه جهان بینی / ایدئولوژی
- ۹) گروه اجتماعی متعهد به یاری موارد فوق / امت (فنائی: ۱۳۷۵، ۷۴-۷۵)

پژوهشگران و محققانی که پیرامون دین تحقیق و تفحص می کنند آن را بعنوان یک واقعیت بیرونی مطمع نظر قرار می دهند. و بررسی واقعیت دین در حیات بشر را پدیده ای روان شناختی، جامعه شناختی و یا تاریخی می دانند. و آن را به عنوان یک واقعیت مستقل مورد مطالعه قرار می دهند. در این سطح، دیدگاههای دین شناسان از این نصوص و قرائت های آن ها از متون دینی قابل نقد می باشد لیکن در این بررسی منظور از دین معنای اول آن یعنی نصوص و حیاتی و برداشت دین شناسان است و بصورت خاص دین اسلام مد نظر می باشد.

رویکردهای نظری

در این مبحث گرایش مسلمانان به مطالعات علمی، از دیدگاههای مختلف توضیح داده شده است. و برخی از این نظریات بر اساس ملاک های مناسب و اهمیت، انتخاب و تحلیل می شوند. منظور از ملاک مناسب، امکان نهائی ادغام این دیدگاهها در رویکرد جامعه شناختی است.

الف) نظریه انتقال علمی و برخورد فرهنگی

اصولاً علم سیمایی جهانی دارد و اندیشه ها و آراء مختلف علمی از طریق داد و ستد فکری در سراسر جهان جریان می یابند. نظریه ی انتقال، هر چند منابع اولیه بعضی از عناصر نظام علمی را آشکار می کند، اما توسعه علمی تنها از انتقال این عناصر حاصل نمی شود و نیازمند انگیزه ها، ارزش ها و فضای فرهنگی - اجتماعی بومی است. براساس نظریه ی انتقال که غالباً بر تأثیر یونانی تأکید دارد فعالیت های علمی در دوره اسلامی، تداوم میراث باستانی یونان بود که از طریق نهضت ترجمه به

مسلمانان منتقل گردید. آثار دانشمندان مسلمان، تقلیدی از آراء، نظریات، روش‌ها و فنون یونانی و اسکندرانی است و در آنها ابتکار، نوآوری و تقدم وجود ندارد. برخی دیگر به نقش انتقال آثار، آراء و نظریات ایرانی تأکید می‌کنند و توسعه‌ی علمی دوره‌ی اسلامی را نتیجه‌ی تداوم فعالیت‌های مدارس و مکاتب دوره‌ی ساسانی و به ویژه مدرسه‌ی جندی شاپور و ترجمه آثار علمی از زبان فارسی به زبان عربی می‌دانند. (قانع‌ی راد: ۱۳۷۹، ۴۵)

ب) تأثیرات روش‌شناسی معرفت‌دین

در تمدن اسلامی برای درک حقیقت دینی دو رویکرد اصالت‌نقل‌اهل‌حدیث و حنبله و اصالت‌عقل‌معتزله و فلاسفه، در تقابل با یکدیگر قرار داشتند. صوفیه و اهل تأویل نیز از تجربه‌ی امر منقول و خرد راز‌آمیز یا عقل تأویلی سخن گفتند که رویکرد دینی آنها را نیز می‌توان در دو قطب اخباریگری و عقل‌گرایی قرار داد. (پیشین، ۴۸) علوم وقتی اسلامی می‌شود که عقل مانند نقل، حجت دینی باشد. اگر عقل حجت دینی است و حکم دین را می‌رساند، پس محصولات عقلی به معنای وسیع آن که شامل علوم طبیعی، انسانی، ریاضی و فلسفه می‌شود، مطالب دینی را می‌رساند؛ نه آنکه بیگانه و متمایز از دین باشند. (جوادی آملی: ۱۳۸۶، ص ۱۶) برقراری ارتباط بین تفکر علمی و رشد الهیات عقلانی یکی از تبیین‌های رایج رشد علوم در دوره‌ی اسلامی می‌باشد. ریشه‌های دینی این ترکیب روش‌شناختی متمایز را باید در تأثیر اجتماعی - فرهنگی اسلام جستجو کرد.

تأثیرات نهضت‌های اجتماعی - مذهبی

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی با مراجعه به متن تاریخی و زمینه‌اجتماعی - فرهنگی تفاسیر دینی تبیین می‌نماید. و نشان می‌دهد که در چه شرایط تاریخی - اجتماعی این اصول فکری و کلامی معین به محرک عمل، اندیشه و رفتار تبدیل شدند و از طریق حضور در معنای کنش اجتماعی، موجب توسعه‌ی فعالیت علمی می‌گردند. اما مطهری در بحث از انگیزه‌ها، ما بین انگیزه‌های اجتماعی و دینی تمایز قائل می‌شود. وی انگیزه‌ی فعالیت‌های دانشمندان را صمیمیت، اخلاص و ایمان می‌داند و از این انگیزه‌ها تعبیری به دست می‌دهد که در مقابل انگیزه‌ی اجتماعی قرار می‌گیرد: «ملت‌های اسلامی روی ملیت‌های خود پل زده بودند و محرکات و انگیزه‌های آنها از اسلام سرچشمه می‌گرفت.» (مطهری: ۱۳۶۲، ۳۵۵-۳۶۹) در مجموع، از بررسی نظریه‌ی انتقال علمی و برخورد فرهنگی این نکته حائز اهمیت است که علی‌رغم انتقال برخی علوم نباید از انگیزه‌ی دانشمندان و نویسندگان دوره‌ی اسلامی برای کسب دانش‌ها و اطلاعات از منابع فرهنگی - تمدنی غفلت کرد هر چند آثار یونانی، ایرانی، هندی، مصری، سریانی و ... از منابع

انتقال دانش ها بودند اما این آثار و دانش ها خود به خود منتقل نشدند ، بلکه توسط عاملین انسانی - اجتماعی و با انگیزه های معین انتقال یافتند براین اساس این نظریه در تحقیق حاضر بلا استفاده است بر مبنای نظریه تأثیرات نهضت های اجتماعی و مذهبی، شرایط تاریخی اجتماعی در تبدیل اصول فکری و کلامی به محرک عمل ، اندیشه و رفتار نقش موثری را ایفاء می نمایند و از طریق حضور در معنای کنش اجتماعی ، موجب توسعه فعالیت علمی می گردند. در خصوص روش شناسی معرفت دینی این نکته حائز اهمیت است که برقراری ارتباط بین تفکر علمی و رشد الهیات عقلانی یکی از تبیین های رایج رشد علوم در دوره اسلامی می باشد . ریشه های دینی این ترکیب روش شناختی متمایز را باید در تأثیر اجتماعی - فرهنگی اسلام جستجو کرد.

اسلام مشوق تحصیل علم

با نگاهی گذرا به منابع تفکر اسلامی ، یعنی قرآن کریم و احادیث می توان دریافت که خداوند و اولیای او ، پیوسته ، نه تنها مومنان بلکه کافران و مشرکان و حتی پیروان دیگر ادیان را بر خردمندی و به کارگیری عقل دعوت می کند. همچنین در احادیث رسیده از اقوال رسول اکرم | و ائمه ÷ نیز موارد بسیاری در تجلیل از علم و فضیلت علما یافت می شود که در ذیل به نمونه هایی از آن اشاره می شود. «والعلماء باقون ما بقی الدهر: أعیانهم مفقوده ، و أمثالهم فی القلوب موجوده.» «دانشمندان، تا دنیا برقرار است زنده اند، بدن هایشان گرچه در زمین پنهان اما یاد آنان در دل ها همیشه زنده است.» (حکمت ، ۱۴۷) حضرت علی × در موردی دیگر ارزش هر کس را به اندازه دانشش می داند و می فرماید : «قیمه کل امرء ما یعلم»

ترغیب به فراگیری علم و دانش

در بیانات حضرت علی 7 در موارد متعددی به یاد گیری علم و دانش سفارش شده و مزیت های علم را بر سایر امور از جمله مال و ثروت بر شمرده است .

امام در سفارشات خود به امام حسن 8 می فرماید : « در علم دین بکوش و همواره دانش پژوه و دانش خواه باش » (نهج البلاغه ، نامه ۳۱)

«كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ، فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ.»

«هر ظرفی با ریختن چیزی در آن پُر می شود جز ظرف دانش که هر چه در آن جای دهی ، وسعتش بیشتر می شود.» (نهج البلاغه ، حکمت ۲۰۵)

«فبادروا العلم من قبل تصویح نبتہ، و من قبل أن تشغلوا بأنفسکم عن مستثار العلم من عند أهله»

«پس در فراگیری علم و دانش پیش از آن که درختش بخشکد تلاش کنید، و پیش از آن که به خود مشغول گردید از معدن علوم (اهل بیت) دانش استخراج کنید.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵)

«همه این موارد که نمونه های بسیار دیگری از آنها در آثار حدیثی مسلمانان به دست می آید، نشان می دهد که نه تنها اسلام با دانش تضادی ندارد، بلکه به نحوی ملازم آن است و ائمه اسلام به طور مؤکد بارها تکرار کرده اند که هیچ عبادت و فریضه ای بدون کسب آگاهی و بصیرت از مؤمنان پذیرفته نیست. البته می باید این نکته را در نظر گرفت که دانش و دانش آموزی در اسلام شرایط خود را داراست: بدین معنی که اسلام میان علم و اخلاق فاصله ای نمی بیند و همواره بر پیوستگی این دو تأکید ورزیده است. در واقع عالم در اسلام، صاحب مسئولیت است و عالم بی اخلاق جز به گمراهی هدایت نمی کند. این موضوع خود از امتیازات اسلام است که در زمینه تعلیم و تربیت مکتبی خاص دارد.» (ولایتی: ۱۳۸۶، ۵۸)

قرآن و کاوش طبیعت

خداوند در قرآن کریم به آثار خلقت برای درک عظمت خویش و استحکام ایمان مسلمانان و مؤمنان اشاره می فرماید همچنین قرآن کریم در زمینه دانش اندوزی فقط به کلیات اکتفا نکرده و بسیاری از آیات به طور خاص، بشر را به ژرف نگری در آثار خلقت و طبیعت فرا می خواند.

«هر آینه در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز، خردمندان را عبرت‌هاست.» (آل عمران ۹۰) ولی نحوه خطاب به گونه ای است که گویا خداوند متعال ژرف نگری در پاره ای از آثار خلقت را بر مؤمنان محتوم و مسلم می داند.

«افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت . و الى السماء كيف رفعت . و الى الجبال كيف نصبت . و الى الارض كيف سطحت» (غاشیه / ۱۷ - ۲۰)

«آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟ و به آسمان که چه سان بر افراشته شده؟ و به کوهها که چگونه بر کشیده اند و به زمین که چگونه گسترده شده است؟»

حتی پاره ای از آیات قرآن کریم در تشویق مسلمانان به فراگیری علوم خاص مانند نجوم و ریاضیات نقش داشته اند.

« وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»

«اوست خدایی که ستارگان را پدید آورد تا به آنها در تاریکیهای خشکی و دریا راه خویش را بیاید.

آیات را برای آنان که می دانند به تفصیل بیان کرده ایم.» (انعام / ۹۷)

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِّينَ وَالْجِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ

ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (یونس / ۵)

«اوست که خورشید را فروغ بخشید و ماه را منور ساخت و برایش منازلی معین کرد تا از شمار سالها و

حساب آگاه شوید. خدا همه اینها را جز به حق نیافرید و آیات را برای مردمی که می دانند به تفصیل

بیان می کند.»

کسب علم از منابع ذی علم

براساس آیات و روایات چنین استنباط می شود که باید علوم را از هر منبعی که واجد آن باشد اخذ

نمود. در آیه دیگری چنین آمده است: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» پس بندگان

مرا بشارت بده، آن کسانی که به سخن گوش می دهند و از بهترین آن پیروی می کنند.» (زمر آیه ۱۸

) همچنین در این خصوص حضرت علی × حکمت را گمشده مومن می داند و امر به یادگیری می

کند هر چند که نزد منافق باشد. «الحکمة ضالة المؤمن، فخذ الحکمة و لو من أهل النفاق» (حکمت ۸۰)

«حکمت گمشده مومن است حکمت را فرا گیر هر چند از منافقان باشد.»

«خذ الحکمة انی کانت، فإن الحکمة تکون فی صدر المنافق فتلجلج فی صدره حتی تخرج فتسکن إلى

صواحبها فی صدر المؤمن» «حکمت راهر کجا که باشد فراگیر گاهی حکمت در سینه منافق است و بی

تابی کند تا بیرون آمده و با همدمانش در سینه مؤمن آرام گیرد.» (نهج البلاغه، حکمت ۷۹)

بر این اساس که است که علمای اسلام با کمال فروتنی برای تحصیل علم، نزد علمای مسیحی و غیر

مسیحی می شتافتند.

عملکرد ائمه

رسول اکرم | برای رساندن پیام خدا به گوش مردم و هدایت آنان به صراط مستقیم از همان روزهای

اول بعثت، افراد شایسته ای را برای تبلیغ و دعوت به اسلام به اطراف اعزام کرد. حضرت علی نیز در

روشهای تربیتی خود همچنان از رسول خدا | پیروی می کرد و نظام آموزشی را بیشتر در همان مساجد

قرار داده بود. حضرت در جلسات مشترک با خلفا، معارف اسلامی را مطرح می کرد و حتی در زمان

جنگ به بحث و گفت و گوی علمی می پرداخت و پس از شهادت ایشان این خط سیر به وسیله ی

طرفداران اهل بیت ادامه یافت و در بغداد و اکناف جهان اسلام مدارس، بیت الحکمه ها و کتابخانه

هایی تأسیس گردید. در مکتب امام صادق ؟ ؟ در تمام رشته های علوم تتبع و بحث می شد و امام برای هر یک از شاگردان، تخصصی تعیین کرده بود، برای نمونه به ابان بن تغلب، که در فقه تبحر داشت، فرمودند که در مسجد بنشیند و فتوا دهد و حرمان بن اعین در زمینه ی فقه، مناظره و بحث می کرد و هشام بن حکم در مسائل رهبری و امامت و اصول عقاید مناظره می کرد. امام صادق -به مسائل علمی و تجربی نیز اهتمام داشت و بنا بر نقلهای مختلف از علمای پیشین، جابر بن حیان، یکی از شاگردان امام، در رشته های گوناگون، از جمله در کیمیا مهارت داشت (ولایتی، همان، ص ۹۰-۸۹)

مهیا نمودن امکانات آموزشی

یکی دیگر از مواردی که در گسترش علوم نقش به سزایی دارد تشویق و حمایت بزرگان جامعه از دانشمندان و علما و کمک مالی به دانش پژوهان است. تکریم علما و تخصیص موقوفات به مدارس و کتابخانه ها، تأسیس کتابخانه در مساجدمعروف شهرهای مهم اسلامی و بسیاری از مشاهد مقدسه و در کنار آرامگاهها و مزار های بزرگان جهان اسلام، همچنین تأسیس کتابخانه هایی تحت عنوان دارالعلم، دارالکتب، دارالحديث، بیت الکتب و خزانه الحکمه، از جمله مواردی است که در رشد و توسعه علوم مؤثر بوده اند.

تأثیر اجتماعی مذهب

تأثیر مذهب بر ساختار اجتماعی و ارزش های فرهنگی به نوع مناسبات مذهب با جامعه بستگی دارد.

۱- تأثیر شناخت متقابل

دین جهانی و فراملی اسلام، انگیزه شناخت متقابل را در بین پیروان خود ایجاد نمود. هر چند توسعه اسلام بر اساس نفی تعصب پیش می رفت و اولین پیام اجتماعی حضور اسلام فائق آمدن بر تعصب بود. و تنها در پرتو چنین نگرشی انسانها می توانستند یکدیگر را بهتر بشناسند و گروههای مختلف اجتماعی با هم ارتباط برقرار نمایند. چنین تفسیر اخلاقی بدون انکار تعلق اجتماعی افراد، منجر به شناخت اجتماعی آنها از همدیگر می شد. ادبیات اجتماعی در آغاز فاقد سنت روش شناختی و تحقیقاتی معین بود ولی مورخان و نویسندگان دوره اسلامی در ضمن مطالعات خود به تدریج این سنت را پایه گذاری کردند. ارزش های مذهبی - فرهنگی با انتقال به دنیای دانش به تدریج جزئی از روش شناسی علمی محسوب گردیدند. (قانعی راد، پیشین، ص ۴۲۹ - ۴۳۱)

چنانکه ابن خلدون در مقدمه اش بیان می کند: مسافرت کردن برای دانش اندوزی و دیدار دانشمندان بر جسته، برای دانش پژوهان برنامه ای است ضروری و لازم. بی گمان هیچ اندیشمند و فرزانه ای

نیست که چندین رشته از دانش را بتواند فراگیرد یا حتی همگی مسائل یک علم را بداند. پس برای برداشتن دانش ژرف و گسترده، یک دانشجو بایستی از سفر کردن و دیدار هر چه بیشتر دانشمندان به نام سود گیرد.

۲- تسامح

وجود سعه صدر، تحمل آراء دیگران و رفتار منصفانه با فرق دیگر در جوامع اسلامی سبب شد که در دارالاسلام بین اقوام و ملل گوناگون باب مناظرات کلامی باز شود و همکاری در جهت پیشرفت علم و فن صورت گیرد. سیره اولیاء دین، پذیرش گفتگوی آزاد با اصحاب ادیان بود. برخورد مسلمانان با غیر مسلمانان بر مبنای دستور قرآنی مجادله با نیکوترین وجه و در مسائل علمی و فلسفی جذب بهترین بود. به خاطر این روح تسامح بود که اقوام مختلف در دارالاسلام با احساس امنیت زندگی می کردند و از همکاری با مسلمانان در پیشبرد علم مضایقه نداشتند. البته در عین حاکمیت سعه صدر و روحیه تسامح، تحمل آراء دیگران تا جایی مجاز شمرده می شد که کیان دین در معرض خطر قرار نگیرد. هر چند در برخی مواقع در برخی نقاط تنگ نظری هایی حاکم بود. ولی هر جا که با سعه صدر با علما برخورد می شد مرکزیتی برای جذب متخصصان پیدا می شد. (گلشنی: ۱۳۷۷، ص ۱۰۹-۱۰۷)

۳- کوشایی متفکران مسلمان

از دیگر بازیگران این نقش دانشمندان مسلمان می باشند که بنا به توصیه های اسلام مبنی بر کسب علم از هر منبع و در هر حال (از گهواره تا گور) با سخت کوشی و خستگی ناپذیری از هیچ کوششی مضایقه نمی نمودند. تا جایی که شرایط محیطی و کهنوت سن نیز نمی توانست مانع تفحصات علمی آنان شود. و بعنوان نمونه می توان به زندگینامه و خاطرات محمد زکریای رازی، ابوریحان بیرونی و مسعودی نظری افکند.

۴- رویکرد انتقادی دانشمندان

رویکرد دانشمندان مسلمان به مسایل اجتماعی رویکرد انتقادی است و منشا این نگرش به بر مدار وحی و عقل عملی می باشد. حضرت علی 7 علی رغم اینکه سفارشات در خصوص تکریم علم و عالمان دارند، تاکید می فرماید که بدون هر گونه سوء گیری به نقد و بررسی علوم پرداخته شود.

«در حالی که از مکابره و لجاج بدور باشی، اجازه داری که دیده انتقاد بر آن کار و کردار

بگشایی و از پسندیده های آن برگیری و ناپسندها را بر جای گذاری. باید در ایفای این وظیفه

از خداوند مهربان کمک و یاری بخواهی و در پیچیدگی‌های امور از اشعه انوار هدایت الهی
راه زندگی برافروزی. هنگامی که به صفای باطن و طهارت قلب خود اطمینان یافتی، می‌توانی
در معضلات مسائل زندگی تفکر کنی.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

برای متفکران مسلمان معارف ملت‌های مختلف تا رسیدن به یک معرفت عقلانی و مبتنی بر مشاهده و
تجربه، جنبه فرهنگی داشته و جزئی از عقاید، عرف و آداب و رسوم ملت‌ها است. نتیجه این دیدگاه
، توسعه نگرش انتقادی در بین نویسندگان مزبور بود. آنها با میل به شناخت متقابل و بدون قصد جدل،
انتقاد و تأویل در پی شناخت بی طرفانه عقاید و آراء اقوام مختلف بودند.

نتیجه گیری

از آنجایی که علم از منظر اسلام از اهمیت وافری برخوردار است و از آن به نور تعبیر می‌گردد. و در
موارد متعددی به یادگیری علم و دانش سفارش شده و مزیت‌های علم را بر سایر امور برشمرده‌اند. و
در زمینه دانش اندوزی فقط به کلیات اکتفا نکرده و بسیاری از آیات به طور خاص، بشر را به ژرف
نگری در آثار خلقت و طبیعت فرا می‌خواند. براین اساس اسلام بر مبنای بنیاد‌های معرفتی خود از
بدو ظهور ساختار اجتماع را تحت تأثیر قرار داده، و بین تفکر علمی و رشد الهیات عقلانی ارتباطی
ناگسستگی برقرار نموده است. که این مهم نشأت گرفته از تأثیر اجتماعی - فرهنگی اسلام است. دین
جهانی و فراملی اسلام، انگیزه‌ی شناخت متقابل را در بین پیروان خود به وجود آورد. دستورالعمل‌های
اخلاقی و اجتماعی اسلام نحوه عملکرد مسلمانان با سایر جوامع را تحت تأثیر قرار داده و زمینه
گسترش روابط اجتماعی و گشودن باب مناظرات علمی بین اقوام و ملل گوناگون در دارالاسلام را
مهیا نموده است. همچنین رشد علمی دنیای اسلام منوط به اتخاذ یک رویکرد آگاهانه و پذیرش
مجدد ارزش‌ها و باورهای فرهنگی بود. که از طریق گسترش جهان بینی، امکان مبادله‌ی فرهنگی و
تماس و تبادل فکری را مهیا کرد.

فهرست منابع

- ۱- قرآن مجید
- ۲- جوادی آملی، عبدالله، معرفت شناسی در قرآن، قم، اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
- ۳- _____، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۴- گلشنی، مهدی، از علم سکولار تا علم دینی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، پاییز، ۱۳۷۷.
- ۵- ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (پیدایش و شکوفایی) ج ۱، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۶.
- ۶- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۲۲، چاپ دوم، تهران، صدرا، بهمن ۱۳۸۴.
- ۷- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ دوازدهم، تهران، صدرا، ۱۳۶۲.
- ۸- ابن خلدون، مقدمه، محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۹- فنایی، ابوالقاسم، درآمدی بر فلسفه دین و کلام جدید، انتشارات اشراق، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۵.
- ۱۰- قانع‌راد، سید محمد امین، جامعه شناسی رشد و افول علم در ایران، تهران، انتشارات مدینه چاپ اول: ۱۳۷۹.
- ۱۱- حسن انوری، فرهنگ فشرده سخن، تهران، سخن، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
- ۱۲- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه امام علی 7، چاپ اول، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۷۹.